

متن پرسش

سلام خدمت استاد گرامی: استاد در بحث اصالت وجود و اصالت ماهیت که فلاسفه گفتن که: مردم عادی میگویند درختی که هست حرف اشتباهی است بلکه وجودی است که تو میبینی یعنی ما در ذهن خودمون وجود داریم و در بیرون به آن شیء درخت میگویم. طبق آیه «سُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا» (سوره نبأ) که میفرماید روز قیامت کوه ها حرکت می‌کنند می‌فهمی سراب بوده، وجود بوده که تو کوه می‌دید یا مثلاً میگویند ماهیت، حقایقی بوده و اومده به عوالم پایین صورت پیدا کرده. یا مثلاً میگویند در عوالم بالا اصلاً صورتی نیست همه اسماء الله هستند به بخشی اومده در عالم پایین شکل پیدا کرده و تبدیل به کوه شده (یعنی ما چیزی به نام کوه نداریم، کوه تجلی اسم عظیم خداست) یا مثلاً میگویند ما اصلاً چیزی به نام آب نداریم بلکه مظهر اسم حی را می‌نوشیم تازه نوشیدن هم نداریم. یا مثلاً میگویند حق و باطل یعنی واقعیت و توهم. حق یعنی هر چیزی که واقعیت دارد و باطل یعنی هر چیزی توهم است و نیست. لطفاً درباره این موارد توضیح بفرمایید تا روشن تر بشوند.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این مورد خوب است که بحث «برهان صدیقین» همراه با شرح صوتی آن را دنبال بفرمایید. موفق باشید